

## کنترل تسلیحات و خلع سلاح از منظر حقوق بین الملل

قاسم بشیری (کارشناس ارشد روابط بین الملل)

### تعریف خلع سلاح:

برای خلع سلاح تعریف واحد و جامعی وجود ندارد. خلع سلاح به معنای مطلق کلمه عبارت است از: کاهش یا نابودی تسلیحاتی در سطح بین المللی بدون در نظر گرفتن ماهیت، کمیت و کیفیت سلاح است. خلع سلاح را می توان با توجه به محدود بودن منطقه ای یا ملی آن، تقلیل یا انهدام تسلیحات منطقه ای و ملی نیز تعریف کرد. در چارچوب تعریف حقوق بین المللی، خلع سلاح در سه مفهوم کاملاً مشخص به کار می رود:

۱\_ خلع سلاح دولت مغلوب؛

۲\_ از میان بردن تمام سلاح ها در تمام جهان؛

۳\_ کاهش یا نابودی نیروهای مسلح و تسلیحات ملی از طریق عهدنامه های بین المللی.

برخی اصطلاح خلع سلاح را با توجه به پیدایش شرایط نظامی جدید پس از جنگ های جهانی دوم، قدیمی و منسوخ دانسته و اصطلاح کنترل تسلیحات را جانشین آن کرده اند.

ظاهراً کنترل تسلیحات دارای معنا و مفهوم وسیع تری است؛ چرا که تمام شکل های محدودیت و تقلیل کمی و کیفی سلاح ها اعم از سلاح های سنتی و هسته ای را در بر می گیرد. خلع سلاح ادامه سیاست صلح طلبانه از طریق کاهش ابزارها و سیستم های نظامی است، در حالی که کنترل تسلیحات تداوم سیاست صلح طلبانه از طریق خویشتن داری متقابل در خصوص کاهش یا افزایش ابزارهای نظامی است. اصطلاحات خلع سلاح و کنترل تسلیحات گاه به یک معنی به کار می روند. مسئله مهم این است که آیا سیاست اعمال شده یا توصیه شده در زمینه خویشتن داری تسلیحاتی، آگاهانه و عمومی است یا فرصت طلبانه و موردی.

در هر حال با توجه به وجود تعاریف مختلف، چنین استنباط می شود که برداشت واحدی در مورد خلع سلاح وجود ندارد؛ هر کشور، سازمان، پژوهشگر یا شخصیتی با عنایت به موقعیت زمانی و مکانی و وضعیت کمی و کیفی تسلیحات و نقش آنها در تخریب یا بازدارندگی، تعریف خاصی ارائه داده است. با این حال، در مجموع می توان چنین نتیجه گرفت که مفهوم خلع سلاح به معنای وسیع کلمه، شامل از بین بردن سلاح های مخرب و کشتار جمعی و تنظیم و اجرای سیاست کاهش و محدودیت نیروهای نظامی می شود.

### اهداف خلع سلاح:

اولین و اساسی‌ترین هدف از خلع سلاح، تأمین و حفظ صلح و امنیت جهانی است. برقراری صلح بدون خلع سلاح نمی‌تواند واقعی باشد، بلکه حالتی است که باید آن را صلح مسلح نامید. به عبارتی، خلع سلاح هدف نهایی نیست، بلکه وسیله‌ای است برای تحقق هدف بزرگتری که همانا ایجاد امنیت جهانی است.

امنیت ناشی از خلع سلاح، می‌تواند امکاناتی چون رفاه اجتماعی، سالم‌سازی محیط زیست و فقرزدایی را فراهم آورد و در سایه ایجاد تفاهم و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، جامعه بشری را به مسیر پویا و تحمل‌پذیری سوق دهد.

اهداف خلع سلاح را مختصراً در مقوله‌های زیر می‌توان مطرح کرد:

۱\_ نجات بشر از نابودی حتمی ناشی از کاربرد سلاح هسته‌ای؛

۲\_ جلوگیری از فقر و گرسنگی با تخصیص منابع تسلیحاتی به امور صلح‌آمیز؛

۳\_ تأمین امنیت روانی و علمی و سیاسی؛

۴\_ استفاده از تکنولوژی انرژی هسته‌ای جهت رونق اقتصادی و اهداف بشردوستانه.

خلع سلاح در افراطی‌ترین صورت آن عبارت است از الغای جنگ با از بین بردن سلاح‌هایی که نقش اساسی در بروز جنگ دارند. گذشته از این هدف‌های اصلی و اولیه، اهداف فرعی و ثانویه‌ای نیز در خلع سلاح و محدودیت تسلیحاتی دنبال می‌شود که از آن جمله انصراف از هزینه‌های سنگین نظامی و اختصاص آن به مقاصد صلح‌جویانه و بالاآوردن سطح زندگی مردم به‌ویژه در کشورهای توسعه نیافته است.

### **کنترل تسلیحات (Arms Control)**

اقداماتی که به‌طور یک‌جانبه یا برپایه موافقت‌نامه‌هایی در میان کشورها صورت می‌گیرند تا خطر جنگ به‌وسیله تدابیری همچون کاهش بخشی از سلاح‌ها، ترتیبات امنیتی برای اجتناب از جنگ هسته‌ای و تثبیت سقف نیروها کاهش یابد. اقدامات مربوط به کنترل تسلیحات هدفش فقط محدود کردن جنبه‌های مشخص از مسابقه تسلیحاتی است و به‌عنوان مثال، سعی می‌شود که انواع معینی از سلاح‌ها ممنوع شوند، آزمایش‌های هسته‌ای محدود گردند و بعضی از مناطق جغرافیایی غیرنظامی اعلام شوند.

اگرچه اصطلاح کنترل تسلیحات و خلع سلاح گاه بدون در نظر گرفتن تفاوتی که با هم دارند به کار برده می‌شوند اما در واقع با هم فرق دارند؛ زیرا هدف اصلی کنترل تسلیحات پیش از آنکه کاهش یا از بین بردن سلاح‌ها باشد تثبیت وضع سلاح است.

اقداماتی که تاکنون در زمینه محدود کردن مسابقه تسلیحاتی در دوران معاصر صورت گرفته عبارتند از:

- ۱\_ قرارداد قطب جنوب (۱۹۵۹م) برای غیرنظامی کردن منطقه قطب جنوب.
  - ۲\_ قرارداد منع ناکامل آزمایش‌های هسته‌ای (۱۹۶۳م) که تمام آزمایش‌های هسته‌ای به جز آزمایش‌های زیرزمینی را ممنوع می‌کند.
  - ۳\_ قرارداد فضای خارجی (۱۹۶۷م) که استفاده تسلیحاتی از فضای ماورای جو و کرات آسمانی را ممنوع می‌کند.
  - ۴\_ برقراری خطوط ارتباط مستقیم (خط سرخ) بین مسکو و واشنگتن، مسکو و پاریس، مسکو و لندن در دهه ۱۹۶۰م.
  - ۵\_ قرارداد منع سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین (۱۹۶۷م) که یک منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین به وجود آورد.
  - ۶\_ قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۷م) که درصد محدود کردن سلاح هسته‌ای در بین اعضای جامعه بین‌المللی بود.
  - ۷\_ قرارداد بستر دریا (۱۹۷۰م) که کشورهای امضاکننده را از استقرار سلاح‌های هسته‌ای در بستر دریا در فاصله بیش از دوازده مایل از آب‌های ساحلی منع می‌کند.
  - ۸\_ قراردادهای محدودسازی سلاح‌های استراتژیک معروف به سالت ۱ و ۲ که کوشش‌هایی از جانب اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا برای محدود کردن مسابقه تسلیحاتی بود.
  - ۹\_ پروتکل الحاقی (۱۹۷۷م) جهت منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و افزایش کارایی پیمان یا قرارداد (N. P. T) طراحی و به این پیمان الحاق شده است.
- که در این مبحث به موارد ۶ و ۹ این قراردادها پرداخته می‌شود؛ چون که در اوضاع و احوال کنونی که دنیای غرب، ایران را تحت فشار جهت امضا و اجرای کامل این پروتکل نموده است به موارد این پیمان و پروتکل الحاقی پرداخته می‌شود.

### **پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (N P T) Non Proliferation Treaty**

قراردادی بین‌المللی برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در میان کشورهای غیرهسته‌ای. قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای حاصل چهار سال مذاکره سخت و مفصل در کمیته خلع سلاح هجده ملت و کمیته امنیتی و سیاسی مجمع عمومی بود که به تهیه پیش‌نویس این قرارداد منجر شد و با تصویب آن به‌وسیله مجمع عمومی در ژوئیه ۱۹۶۸م، صورت قانونی یافت.

پیمان کاهش سلاح‌های هسته‌ای در شرایط دوره جنگ سرد به امضای کشورهای آمریکا، انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی سابق رسید و دارای یک مقدمه و یازده ماده می‌باشد.

در مقدمه این پیمان به زیان‌های جنگ هسته‌ای، خطرات گسترش سلاح‌های هسته‌ای، و عده همکاری در حوزه فعالیت‌های صلح‌جویانه هسته‌ای و توسعه این تکنولوژی و تبادل اطلاعات علمی با اهداف صلح‌جویانه اشاره شده است.

از جمله موارد دیگری که در مقدمه آمده و قابل توجه است، امضای پیمان (N P T) در راستای روند خلع سلاح عمومی و کامل (حتی ابرقدرت‌ها) است و بالاتر اینکه براساس منشور سازمان ملل، هرگونه تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورهای دیگر نفی شده است.

طبق ماده یک، دو و سه پیمان، کشورهای عاقد متعهد می‌شوند از انتقال سلاح‌های هسته‌ای و تکنولوژی ساخت آن به کشورهای دیگر خودداری کند. کشورهایی که فاقد سلاح‌های هسته‌ای هستند، نیز از قبول و یا انتقال این سلاح‌ها و مواد شکاف‌پذیر منع شده‌اند.

در ذیل ماده سه همچنین آمده است: «اعضای این پیمان که فاقد سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند، جهت رعایت مفاد این ماده، موافقت‌نامه‌هایی را به صورت انفرادی یا به اتفاق سایر اعضا بر طبق اساس‌نامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با آژانس منعقد می‌نمایند».

براساس مواد چهار و پنج پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، توسعه تحقیقات و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای نه تنها حق غیرقابل انکار هر یک از اعضا دانسته شده، کشورهای عضو دارنده این تکنولوژی موظف شده‌اند زمینه دستیابی به آن را برای کشورهای فاقد این تکنولوژی فراهم کنند و هیچ‌گونه تبعیضی در این فرآیند نباید اعمال شود.

راههای پیشگیری از رقابت‌های هسته‌ای، انعقاد پیمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای در این رابطه، ارائه پیشنهادات اصلاحی پیمان (N P T) توسط کشورهای عضو و محقق شدن کشورهای دیگر به این پیمان نیز طی مواد شش، هفت، هشت و نه درج شده است.

ماده ده تصریح کرده است: «چنانچه هر یک از اعضای پیمان تشخیص دهد حادثی فوق‌العاده مربوط به موضوع این پیمان، منافع عالی کشورش را به مخاطره انداخته است، این حق را خواهد داشت که در اعمال حق حاکمیت ملی خود از این پیمان کناره‌گیری نماید.»

آخرین ماده پیمان (ماده ۱۱) نیز متون انگلیسی، روسی، فرانسه، اسپانیایی و چینی این پیمان را دارای اعتبار واحد دانسته و زمان انعقاد آن ژوئیه ۱۹۶۸ م، ذکر کرده است.

دولت ایران، اگرچه این پیمان را در چند سال قبل امضا کرده است، ولی متأسفانه در بهره‌برداری صلح‌جویانه و ساخت نیروگاه‌های اتمی خود یا طی سالیان متمادی نه تنها از همکاری اصولی سایر اعضای دارنده تکنولوژی هسته‌ای بهره کافی را نبرده است، همواره با کارشکنی‌های پی‌درپی آنها مواجه شده است. بدین ترتیب و با توجه به این سابقه عدم همکاری،

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند طبق موارد مصرح در مقدمه و مواد ۴، ۵ و ۱۰ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، از این پیمان خارج شود، بدون آنکه با عکس‌العمل‌ها و عوارض احتمالی بعدی مواجه خواهد شود.

### پروتکل الحاقی Additional Protocol

پروتکل الحاقی که در سپتامبر سال ۱۹۹۷ م، تنظیم شده، دارای یک پیش‌گفتار، یک مقدمه و هجده ماده است. در پیش‌گفتار یادآوری شده است که این پروتکل در جهت اهداف منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و افزایش کارایی پیمان (N P T) طراحی شده است. در واقع می‌توان گفت که این پروتکل به پیمان مذکور "الحاق" شده است.

مقدمه و هجده ماده ذکر شده به شکل «نمونه قرارداد» بین کشور متقاضی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، که البته به جای نام کشور به صورت نقطه‌چین آمده است. به این ترتیب هر کشور متمایل به امضای پروتکل الحاقی، ملزم می‌شود، قرارداد از پیش‌نوشته شده را امضا نماید، ولی می‌تواند این پروتکل را به طور مشروط بپذیرد.

در مقدمه همچنین آژانس که طرف قرارداد با کشورهاست، متعهد می‌شود در توسعه فنی و اقتصادی این کشورها اخلاص نکند، به حقوق افراد و سلامتی آنها احترام بگذارد و در خصوص حفاظت از اسرار تجاری، تکنولوژی و صنعتی و سایر اطلاعات محرمانه‌ای که از آنها آگاه می‌شود، احتیاطات لازم را انجام دهد. البته جا دارد فقط اشاره شود که فعالیت‌های بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی دهه ۱۹۹۰ م، و دو سال نخست دهه ۲۰۰۰ م، نشان داده است که نه تنها احتیاط‌های لازم صورت نمی‌گیرد، حتی قدرت‌های بزرگ و تحت پوشش همین آژانس می‌توانند در کشورهای موردنظر خود به فعالیت‌های جاسوسی بپردازند. از جمله مواد مهم و حساس پروتکل الحاقی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در ماده دو، کشور امضاکننده پروتکل موظف می‌شود اطلاعات مشخص شده در این ماده، در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای، ظرفیت تخمینی تولید سالانه معادل اورانیوم و کارخانجات غلیظ‌کننده "اورانیوم" و "توریوم" را در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهد.

ماده دو بسیار مفصل است و دقیقاً اطلاعات درخواستی آژانس را مشخص کرده است. به نظر می‌رسد که ماده چهار بحث انگیزترین مورد در کل پروتکل باشد؛ زیرا این ماده تحت عنوان "دسترسی‌های تکمیلی" این حق را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌دهد که نسبت به اطلاعات داده شده توسط کشور عضو پروتکل ابراز تردید نماید و خود راساً جهت بازرسی وارد عمل شود؛ در تفصیل شماره دو بند "ب" این ماده آمده است: «در صورت درخواست آژانس برای دسترسی به هر قسمت از یک ساختگاه، که این دسترسی توأم با بازدیدهای بررسی

اطلاعات طراحی یا بازرسی‌های ویژه یا معمول از آن ساختگاه باشد، مدت اطلاع قبلی (به کشوری که می‌باید ساختگاه آن مورد بازرسی قرار گیرد) دست‌کم دو ساعت می‌باشد، اما در وضعیت‌های استثنایی این مدت می‌تواند کمتر از دو ساعت باشد.

ماده هفت، که هیچ ضمانت اجرایی ندارد و فقط در حد یک توصیه اخلاقی است، (اعضای بازدیدکننده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را موظف می‌کند در صورت تقاضای کشور بازدیدشونده، از انتشار اطلاعات حساس هسته‌ای و تجاری خودداری می‌کنند).

در ماده هشت، کشور امضاکننده ملزم می‌شود، اجازه بازرسی از هر مکانی را که آژانس تمایل دارد، به او بدهد.

در ماده هجده، یکی از اهداف پروتکل، فعالیت‌های تحقیق و توسعه مربوط به چرخه سوخت هسته‌ای به شرح زیر می‌باشد:

تبادل مواد هسته‌ای، غنی‌سازی هسته‌ای، تولید سوخت هسته‌ای، راکتورها، مؤسسات بحرانی، بازآوری سوخت هسته‌ای....

یک نکته در باره این بخش از ماده هجده قابل یادآوری است:

تقریباً چنین اهدافی در پیمان "منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای" ذکر شده است، ولی کشورهای دارنده تکنولوژی هسته‌ای نه تنها در مورد تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر، طبق مواد مصرح در پیمان، عمل نکرده‌اند، بلکه برعکس، تا آنجا که توانسته‌اند کارشکنی کرده‌اند.

و ایران، تحت فشار نظام بین‌المللی، بیانه تهران را با توافق به عمل آمده با وزیر خارجه آلمان، انگلیس و فرانسه قبول نموده که این پروتکل را امضا نمایند و غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد و این کشورها متعهد شده‌اند که در تکنولوژی هسته‌ای در جهت اهداف صلح‌جویانه ایران را کمک فنی نمایند.